

زبان فارسی و گویش های ایرانی

سال دوم، دوره دوم، پیژوهستان ۱۳۹۶، شماره پیپر ۴

تکرار در گویش تالشی

دکتر شهین شیخ سنگ تجن^۱

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۲/۲۶

تاریخ دریافت: ۹۶/۳/۱

چکیده

فرایند تکرار نوعی واژه‌سازی است که در آن عنصری به پایه اضافه می‌شود، این عنصر که جزءِ مکرر نامیده می‌شود، گاه خود پایه و گاهی بخشی از آن است که در چپ، راست و یا میان پایه تکرار می‌شود. هدف از پژوهش حاضر بررسی انواع تکرار براساس نظر کافمن (۲۰۱۵) در تالشی است. همچنین به بررسی کاربرد دستوری و معنایی انواع تکرار و تحلیل آوایی هجاهای شرکت‌کننده در این فرایند در واژه‌های مکرر تالشی جنوبی پرداخته‌ایم. روش تحقیق توصیفی- تحلیلی است و داده‌های پژوهش به دو صورت استنادی و میدانی گردآوری شده‌اند. نتایج نشان داده است که انواع تکرار، غیر از دوگان‌سازی اسم و تکرار shm (افزودنshm به ابتدای واژه‌های مکرر) در تالشی به کار می‌روند. همچنین از انواع کاربردها و تحلیل معنایی عنوان شده کافمن؛ شدت، افزایش و تقویت؛ کثرت و جامعیت در تالشی کاربرد بیشتری دارند. بررسی آواهای این گویش نیز نشان داد که در کلمات تکه‌جایی، ساخت هجایی CVC از بالاترین بسامد و در کلمات دوهجایی ساخت هجایی CV-CV و نیز CV-CVC از پُرخدادترین ساختهای شرکت‌کننده در فرایند تکرار بوده‌اند.

واژگان کلیدی: فرایند تکرار، ساخت واژه، ساخت هجا، کاربرد تکرار، گویش تالشی

✉ Shsheikh226@yahoo.com

۱. استادیار زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه پیام نور رشت

۱- مقدمه

زبان‌های ایرانی نو را به شیوهٔ سنتی به دو گروه اصلی غربی و شرقی می‌توان تقسیم نمود که هر یک از اینها زیرگروه‌های شمالی و جنوبی داردند (اشمیت، ۱۳۸۲: ۴۱۲). مبنای اصلی این تقسیم‌بندی‌ها به عقیده اشمیت (همان‌جا) نوآوری‌ها و ابقاء مواردی است که پیشتر در دو زبان شناخته‌شده ایرانی باستان، یعنی فارسی باستان (جنوب غربی) و اوستایی (غیر جنوب غربی) و نیز در زبان‌های ایرانی میانه، یعنی فارسی میانه (جنوب غربی)، پارتی (شمال غربی)، سغدی، سکایی، خوارزمی و بلخی (شرقی) بازتاب داشته‌اند.

تالشی از زبان‌های ایرانی شمال غربی است و در امتداد کرانه‌های دریای خزر تا منتهی‌الیه جنوب شرقی جمهوری آذربایجان رواج دارد. از گونه‌های آن ماسالی، لریک، لنکران و آستارا است. در ایران نیز لهجه‌های آن در شرق استان آذربایجان و غرب گیلان رایج است و عبارت‌اند از وزنه، تولارود، اسلام، پرهسر، شاندرمن، ماسال و ماسوله و زیده (همان: ۴۸۹). این لهجه‌ها در سه گروه عمده؛ تالشی شمالی، مرکزی و جنوبی جای دارند. تالشی شمالی از آن سوی ارس یعنی جمهوری آذربایجان شروع شده و ادامه آن در ایران تا کرگان رود تالش پیش رفته‌است. تالشی مرکزی در قلمرو دو رودخانه شفارود در جنوب و ناورود در شمال تداول دارد. تالشی جنوبی، تالشی مناطق میان شفارود تا سفیدرود است که شامل خوشابری، ماسالی، ماسوله‌ای، سیاهمزگی و دیگر گویش‌هایی جلگه‌ای گیلان است (رضایتی، ۱۳۸۶: ۱۹).

پژوهش حاضر به بررسی یکی از فرایندهای ساخت‌وآژی در گویش تالشی جنوبی می‌پردازد و در تحلیل داده‌ها تمایزات ظرفی آوایی و واجی را از نظر دور می‌دارد.

واژه‌سازی در هر زبان براساس قواعد و بسته به نیازهای زبانی گویشوران صورت می‌گیرد. ترکیب، اشتقاء یا وندافرزایی از زایاترین فرایندهای واژه‌سازی در همه زبان‌هایند. وندافرزایی دو ویژگی اصلی دارد: صورت حاصل از آن متشکل از یک پایه و تکوازی است که به آن افزوده می‌شود؛ وند یا جزء افزوده شده دارای صورت ثابتی است و در تمامی موارد هنگامی که به پایه‌های مجاز متصل می‌شود، صورت ثابتی خواهد داشت (شقاقی، ۱۳۷۹: ۵۲۲).

نوع دیگری از واژه‌سازی در برخی زبان‌ها متبادل است که شباهت‌های زیادی با وندافرزایی دارد اما ویژگی دوم در آن صدق نمی‌کند. زبان‌شناسان این فرایند را تکرار می‌نامند. تکرار یا دوگان‌سازی معادل Reduplication است که در آن re به معنای دوباره و duplication به

1. Schmitt

معنای double دوبله و دوگان کردن است. این دوگان شدن در آواها یا کل کلمه (در ریشه یا ستاک) محسوس است. تکرار در برخی زبان‌ها رایج است و سبب تغییر معنا به لحاظ کثرت، قلت، تقویت، تأکید و نیز تغییرات دستوری زمان و جمع اسمی می‌شود (کافمن، ۲۰۱۵: ۱-۲). در این پژوهش براساس نظر کافمن (۲۰۱۵) علاوه‌بر تعیین مقولات دستوری طبقات به دست آمده از واژه‌های مکرر، به انواع تکرار در این گویش و بررسی کاربرد دستوری و معنایی عناصر تکرارشونده خواهیم پرداخت و در نهایت تحلیل آوایی از ساختهای هجایی کلمات پایه و جزء مکرر ارائه خواهد شد. این پژوهش به دنبال یافتن پاسخ این پرسش‌هاست: کدام فرایند تکرار در تالشی وجود دارد و چه بسامدی دارد؟ کاربردهای دستوری و معنایی فرایند تکرار در این گویش چگونه است؟ پایه و جزء مکرر چه ساخت هجایی دارد و پرسامدترین ساخت هجایی در فرایند تکرار در تالشی کدام است؟ روش تحقیق توصیفی- تحلیلی است و پیکره داده‌ها به روش میدانی و اسنادی جمع‌آوری شده‌است. در روش میدانی از گویشوران تالشی گیلان همچون ماسال و شاندمن، شفت و فومن کمک گرفته‌ایم. نگارنده خود نیز دارای شم زبانی تالشی است. در روش اسنادی به بررسی و مطالعه کتاب‌هایی چون تالشی‌نامه از نصرتی سیاه‌مزگی (۱۳۸۶) و لغتنامه تالشی-فارسی رفیعی (۱۳۸۶) پرداخته‌ایم.

۲- پیشینه تحقیق

برخی از زبان‌شناسان و دستورنوبسان همچون شریعت (۱۳۷۰: ۱۹۶)، کلباسی (۱۳۸۰: ۷۱-۶۶)، نوبهار (۱۳۷۲: ۲۲۰)، مشیری (۱۳۷۹: ۲۳۰)، لازار (۱۳۸۴: ۳۱۵) مانند انوری و گیوی (۱۳۶۶: ۱۰۲) تکرار را با عنوان اتباع معرفی کرده و معتقدند که اسم، صفت یا اسم صوت با هموزن‌های خود ترکیب شده و کلمه حاصل مهمل یا ترکیب عامیانه نامیده می‌شود، چراکه این ساخت مخصوص زبان محاوره است ولی گاه در نظم و نثر هم به کار می‌رود. شفاقی (۱۳۶۷: ۲۲-۲۰) معتقد است «در ساخت اتباع، وند دوگانی به صورت پیشوند، میانوند یا پسوند به کمک واژه‌بست ۰ و یا بدون آن به واژه پایه افزوده شده، مفهوم و معنای واژه را تعمیم می‌دهد و یا بر آن تأکید می‌کند ... اتباع در دستور زبان فارسی از مقوله اسم، صفت یا قید به شمار می‌رود و گاه پس از ترکیب با واژه‌های دیگر نقش فعل را عهده‌دار می‌شود». وی

(۵۳۰: ۱۳۷۹) در مقاله‌ای فرایند تکرار کامل^۱ و ناقص^۲ را متمایز کرده و نوشته: «فرایند تکرار کامل را می‌توان نوعی ترکیب به شمار آورد. فرایند تکرار ناقص با تکرار بخشی از پایه و قرار دادن آن بخش مکرر یا وند دوگانی قبل یا بعد از پایه عمل می‌کند. با توجه به ساختار کلمات در وند دوگانی و نحوه قرار گرفتن این اجزا در کنار هم می‌توان انواع فرایند تکرار را به تکرار کامل شامل تکرار محض و تکرار کامل همراه با تکواز دستوری (که خود قابل تفکیک به تکرار کامل میانی و پایانی است) و تکرار ناقص شامل تکرار ناقص پیشوندی و پسوندی تقسیم کرد.

راسخ مهند (۱۳۸۸) به بررسی معنایی تکرار در زبان فارسی پرداخته و براساس دیدگاه موراواچیک، رژیه و کاجیتانی معنای واژه‌های مکرر را در چهار طبقه افزایش کمیت، کاهش کمیت، افزایش شدت و کاهش شدت بررسی نموده و ساختها و معانی واژه‌ها را در تکرار کامل و تکرار ناقص بر حسب نمودار و سلسله مراتب معنایی مشخص کرده‌است. به اعتقاد وی تکرار در اسم، فعل، صفت و قید هست اما در طبقه حروف اضافه و سایر طبقات دستوری وجود ندارد. نامآواها نیز به دلیل نامشخص بودن پایه در طبقه‌بندی وی نیامده‌اند. تکرار اسم بیشترین و تکرار قید و فعل کمترین بسامد را دارد.

شقاقی و حیدرپور بیدگلی (۱۳۹۰) تکرار را براساس نظریه بهینگی توصیف کرده‌اند. به اعتقاد آنها نباید تکرار را فرایندی کپی یا وندافزاری ساده تلقی کرد، بلکه باید «به‌طور دقیق بدانیم کدام بخش از پایه کپی می‌شود و چرا، و چه ویژگی‌های خاصی در ساخت صرفی، واجی و نوایی زبان‌ها این ویژگی‌های مکرر را رقم می‌زنند. از دیدگاه صرفی شاید بتوان تکرار را براساس ویژگی‌های صرفی - نحوی و نیز جایگاه خطی جزء مکرر نسبت به پایه، صرفاً وندافزاری تلقی نمود اما براساس واجشناسی نمی‌توان ویژگی جزء مکرر به‌ویژه واژه‌های مکرر ناقص را از روی محتوای زنجیری آن به‌طور کامل تعیین نمود. محتوای زنجیری جزء مکرر از روی پایه‌ای که در این فرایند شرکت می‌کند، کپی می‌شود. در حالی که ویژگی‌های زبرزنجیری یا نوایی آن را نظام آوایی زبان مشخص می‌کند». آنها نشان دادند که «جزء مکرر و نیز واژه مکرر حاصل از این فرایند دارای هویت واجی و نوایی‌اند. لذا می‌توان با در نظر گرفتن محدودیت‌های واجی و نوایی در کنار محدودیت‌های ساخت‌واژی که در نظریه بهینگی مطرح است، و مرتبه‌بندی آنها در بافت‌های مختلف مانند جزء مکرر و پایه در تکرار کامل و نیز تمایل جزء مکرر به بی‌نشانی در تکرار کامل پژواکی و تکرار ناقص در زبان فارسی توصیف نمود».

1. Full reduplication

2. Partial reduplication

محمودی بختیاری و ذوالفقار کندری (۱۳۹۴) براساس زبان‌شناسی پیکره‌ای به بررسی تکرار کامل در واژه‌های مکرر زبان فارسی پرداختند. پیکرهٔ پژوهش آنان ۲۹۹ واژه با تکرار کامل از لغتنامهٔ دهخدا بود و به بررسی ساختارهای حاصل از واژه‌های مکرر و ویژگی‌های معنایی جزء دوگانی پرداختند. نتایج بررسی آنها برخلاف راسخ مهند (۱۳۸۸) نشان داد که غیر از اصوات، ساخت غالب در دوگان‌سازی قید است و معنای قلت نیز نسبت به دیگر معانی (کثرت، معنای نو و تأکیدی) بسامد بیشتری دارد. در مواردی متعدد، معنای ساخت حاصل، ربطی به معنای اجزای دوگانی نداشته و معنایی کاملاً جدید و متفاوت ایجاد شده‌است.

رضایتی و سلطانی (۱۳۹۴) با توجه به الگوی ساخت واژی به بررسی تکرار کامل و تکرار ناقص در واژه‌های مکرر فارسی پرداخته و نشان داده‌اند که مقولات دستوری به دست آمده از تکرار گاه می‌تواند متفاوت با مقولات دستوری پایه و جزء مکرر باشد. به لحاظ معنایی نیز مهم‌ترین معنای واژه‌های مکرر نوعی تقلیل‌گرایانه و یا افزایینده است که در پس‌زمینه معنای ظاهری و مجازی تداعی می‌شود.

تکرار را در گویش‌های ایرانی نیز بررسی کرده‌اند. فیاضی (۱۳۹۲: ۱۴۹-۱۵۱) براساس طبقه‌بندی حیدرپور (۱۳۹۰) و شفاقی (۱۳۶۷) واژه‌های مکرر گیلکی را بررسی نموده و نتیجه گرفته «در گیلکی اسم، فعل، صفت، قید، نام‌آوا و عدد در تکرار شرکت می‌کند اما با اینکه ترکیبات نحوی، واژه مکرر می‌سازند، هیچ نمونه‌ای دال بر مشارکت جمله مانند 'منم منم' یا 'چه کنم چه کنم' فارسی وجود ندارد ... واژه‌هایی که در تکرار گیلکی شرکت می‌کنند، ممکن است تک‌هجایی، دوهجایی، سه‌هجایی و در یک مردم چهار‌هجایی باشند... واژه‌های دوهجایی بیشترند و پایه تکرار ناقص قرار گرفته‌اند. بسامد واژه‌های تک‌هجایی نیز در مقایسه با واژه‌های سه‌هجایی بالاتر است». وی تکرار پژواکی را جزء تکرار کامل در نظر گرفته و برای اساس برخی واژه‌های مکرر این طبقه با واژه‌های مکرر تکرار ناقص پسوندی یکی شده‌اند. مثلاً «بودوج- وادوج» (دوخت‌ودوز) از یک سو، تکرار ناقص پسوندی است و از سوی دیگر، تکرار کامل پژواکی. راسخ مهند و محمدی راد (۱۳۹۲) براساس دیدگاه موراوچیک واژه‌های مکرر کردی سورانی را براساس تکرار کامل و ناقص بررسی نموده‌اند. تحلیل معنایی آنها نشان داد که در میان مفاهیم موراوچیک، برجسته‌ترین معنای حاصل از فرایند تکرار، افزایش کمیت است.

در برخی از بررسی‌های پیشین تنها به تکرار کامل اشاره شده و تکرار ناقص از نظر دور مانده است. در برخی دیگر به دلیل در نظر گرفتن دو نوع تکرار کامل و ناقص شباهت‌هایی وجود دارد. تحلیل معنایی نیز تنها براساس نظریات زبان‌شناسی خاص است.

در پژوهش حاضر سعی شده علاوه بر تکرار کامل و ناقص، براساس تطبیق و بومی‌سازی نظریات زبان‌شناسی در تالشی به بررسی انواع تکرار بپردازیم. در بررسی معنایی واژه‌های مکر را با توجه به کاربرد آنها توصیف نموده‌ایم. در تحلیل آوازی هجاهای شرکت‌کننده در فرایند تکرار مشخص شده و هجاهای پُرسامد به دست آمده است.

۳- مبانی نظری

تکرار به اعتقاد کافمن^۱ (۱۵۰: ۴-۲) انواعی دارد: تکرار کامل، تکرار ناقص، تکرار زبان کودکان^۲، تکرار وزین^۳، تکرار با دگرگونی واکه^۴، تکرار در نام‌آواهای^۵ دوگان‌سازی اسم^۶ و تکرار شم.^۷ در تکرار کامل، واژه اغلب برای پذیرفتن جمع دستوری یا رساندن شدت به کار می‌رود مانند rumah (خانه)، rumah-rumah (خانه‌ها)^(۲) در زبان مالایی^(۱). در تکرار ناقص تنها بخشی از کلمه مانند هجا تکرار می‌شود، مانند chatul (گربه)، chatatul (بچه‌گربه) در عبری. در مائوری (زلاندنو) با تکرار ناقص و کامل paki (نواش کردن) معانی جدیدی به دست می‌آید: (یکبار دست زدن)، pakipaki (تحسین کردن).

به عقیده کریستال (۱۹۹۷: ۲۵۴) تکرار مشخصه‌ای از واج‌شناسی کودکان است. کودک قادر به درک برخی از کلمات زبان است، در حالی که قادر به تولید کامل آنها نیست. این نوع کلمات به صورت هجاهای دوگان‌شده کوتاه می‌شوند. مثلاً در انگلیسی water به صورت wawa تولید می‌شود. این نوع دوگان‌سازی به کلمات دیگر نیز گسترش می‌یابد و بسیاری از آنها را والدین تقویت می‌کنند. کودکان تکرار زبانی را توسعه می‌دهند تا در سنی قادر به بیان کلمه کامل شوند. سن تکرار نکردن بستگی به تقویت والدین دارد.

1. Kauffman

2. Reduplication in baby-talk

3. Rhyming-reduplication

4. Ablaut reduplication

5. Reduplication in Onomatopoeia

6. Name Doubling

7. Shm-reduplication

در برخی زبان‌ها اصطلاحاتی آهنگین تکرار می‌شوند، مانند itsy-bitsy (ریزه‌میزه)، lovey (پُر عشق و علاقه)، hanky-panky (دور وی)، hoity-toity (امل)، fuddy-duddy (ددمی مزاج). این نوع تکرار در زبان فارسی نیز وجود دارد. گاه تکرار با دگرگونی واکه‌هاست. این تکرار در انگلیسی، چینی و ژاپنی هست؛ mish-mash، zig-zag، تکرار در نام‌واها نیز در زبان‌ها واقعیتی جهانی است و تفاوت‌هایی دارد. مثلاً صدای پارس سگ در ژاپنی wanwan، در روسی gavgav، در اسپانیایی gufguf و در کره‌ای mungmung است.

دوگان‌شدن اسامی برای خویشاوندان نزدیک به کار می‌رود و در انگلیسی و چینی بسیار رایج است. اسم‌های مستعار انگلیسی نمونه‌ای از این نوع تکرار است که برای تسبیب به کار می‌روند؛ BeBe Jay-Jay Lou-Lou. تکرار shm نوعی تکرار انتقادی است که به نظر کافمن (۲۰۱۵: ۴-۲۰) برای کنایه، طعنه و شوخی به کار می‌رود و از زبان یهودیان عبری ساکن نیویورک به غیر عبری زبانان شمال شرقی آمریکا منتقل شده است. در این نوع که تنها در انگلیسی دیده می‌شود، همخوان یا همخوان‌های ابتدایی پایه تکرارشده حذف و shm به پایه اضافه می‌شود؛

1) Bagel-shmagel, I want a full meal!

نان شیرینی حلقه‌ای! من یک وعده غذایی کامل می‌خواهم!

2) Money- shmoney, you should think it grows on trees?

پول! فکر می‌کنی روی درختان رشد می‌کند؟

3) Help- shmelp, they just stood around and watched us work!

کمک! آنها فقط ایستاده بودند و به کار ما نگاه می‌کردند.

۳-۱- کاربردهای تکرار

کاربرد آواهای مکرر در کلمات به تمایزات دستوری و واژگانی منجر می‌شود و تغییرات نسبتاً جزئی یا ژرفی در معنا به وجود می‌آورد. برخی از این تغییرات را کافمن (۱۵-۲۰: ۴-۵) ارائه داده است:

الف. ساخت جمع: گاهی براساس تکرار کامل و گاه براساس تکرار ناقص اسامی جمع بسته می‌شوند؛ kapal (کشتی)، و kapalkapal (کشتی‌ها) در زبان اندونزیایی.

ب. زمان فعل: در یونانی قدیم زمان کامل با تکرار عنصر اول فعل به دست می‌آمد؛ leipo (من ترک می‌کنم)، leloipa (من ترک کرده‌ام). در فارسی باستان نیز هر فعل از یک ماده تشکیل می‌شد که عبارت بود از ریشه فعل و یک هجای ماده‌ساز. ماده مضاعف از تکرار ریشه به دست می‌آمد؛ ماده dadā از ریشه dā به دست آمده است (منصوری، ۱۳۸۴: ۳۲۷).

پ. شدت، افزایش، تقویت: تکرار کامل کلمه یا ستاک می‌تواند معنای آن را تشدید یا تقویت کند؛ *kauas* (دور)، *kauskaus* (خیلی خیلی دور) در فنلاندی نشانگر شدت. *nula* (موج)، *nulanula* (موج بزرگ) در هاوایی با افزایش معنا. *igi* (تعداد زیادی)، *igi-igi-igi* (تعداد خیلی زیادی) در اندونزیایی نشانگر شدت.

ت. تخصیص: در برخی زبان‌ها تکرار برای کاربرد واژه در معنای خاصی به کار می‌رود؛ در نروژی، دانمارکی و سوئدی *mor* (مادر) و *mormor* (مادر مادر)، *far* (پدر) و *farfar* (پدر پدر) و *morfar* (پدر مادر). نیز در فنلاندی *koti* (خانه) و *kotikoti* (خانه پدری).

ث. کثرت و جامعیت؛ *anak* (بچه) و *anakanak* (همه بچه‌ها) در اندونزیایی.

ج. شباهت؛ *langti* (*langti-langti*) (آسمان) و *langti* (قف) در اندونزیایی.

چ. شوخی زبانی: گاه تکرار دسته‌ای از آواهای مهم‌ل تنها برای سرگرمی و بازی زبانی است؛ *ziche zacke zacke hoi hoi hoi* در آلمانی. تکرار شم نیز گاهی برای شوخی به کار

می‌رود؛ *Dead-shmead*, Yiddish is still a spoken language

ح. بی‌هدفی و ابهام: گاه تکرار بی‌هدفی را می‌رساند؛ *dudukduduk* (نشستن) و *(نشستن و کاری نکردن)* در مالایی، نیز *merah merah* (*قرمز*) و *merah* (*متمايل به قرمز*).

خ. انعکاس: در برخی زبان‌ها تکرار نشان‌دهنده ویژگی انعکاس است؛ *hormati* (*احترام*) و *hormat-menghormati* (*به یکدیگر احترام گذاشتن*) در مالایی.

د. بیان زندگی؛ *bula* (*زندگی*) و *bulabula* (*سلام، خدا حافظی، خوشامدگویی و عافیت هنگام عطسه*) در زبان *فیجینی*.

۴- تحلیل داده‌ها

۴-۱- انواع تکرار در واژه‌های مکرر تالشی

در این پژوهش ۲۸۱ واژه مکرر گردآوری شد. از اینها ۱۶۸ واژه تکرار کامل (۱۰۳) واژه تکرار کامل ناافزوده، ۶۵ واژه تکرار افزوذه میانی و پایانی) و ۵۰ واژه تکرار ناقص داشتند. ۲۴ واژه دارای تکرار وزین و ۳۹ واژه دارای انواع دیگر تکرار بودند. بیشترین واژه‌های مکرر در تکرار کامل ناافزوذه، سپس در تکرار کامل افزوذه و پس از آن در تکرار ناقص پسوندی بود. همه مقولات به دست آمده اسم، قید یا صفت بودند. بسامد هر مقوله مشخص شده است.

۱-۴-۱- تکرار کامل

در تکرار کامل تمام پایه تکرار می‌شود (کاتامبا، ۲۰۰۶: ۱۸۲) و دو نوع تکرار کامل نافزوده و تکرار کامل افزوده دارد. در نافزوده هیچ پسوند یا پیشوندی به پایه اضافه نمی‌شود و پایه تکرار می‌شود. جدول ۱ نمونه‌ای از این نوع تکرار در گویش تالشی است:

جدول ۱- تکرار کامل نافزوده در واژه‌های مکرر تالشی

تکرار کامل نافزوده	معنی و طبقه دستوری	تکرار کامل نافزوده	معنی و طبقه دستوری
vili vili	حرکت - اسم	xelə xelə	دعوا، بگومنگو - اسم
igəla igəla	یکی‌یکی - قید	indʒan indʒan	بریده‌بریده - صفت
pella pella	تکان‌تکان - اسم	bezən bezən	زدوخورد - اسم
bidʒa bidʒa	کم‌کم - قید	pər pər	لرزش - اسم
xuma xuma	خانه‌های کوچک - اسم	fəŋj fəŋj	نق‌ونوق - اسم
taGa taGa	چکه‌چکه - قید	tʃala tʃala	گودال‌گودال - اسم
peku peku	تکان‌تکان - اسم	sifa sifa	جادجا - قید
lasa lasa	لخته‌لخته - صفت	dʒara dʒara	هیاهو - اسم
məʃta məʃta	مشتمشت - قید	gəla gəla	دانه‌دانه - قید
ispi-ispi	سفید‌سفید - اسم	kula kula	گروه‌گروه - قید

از ۱۰۳ واژه مکرر ۴۵ درصد اسم، ۳۶ درصد صفت است. برخی از مقولات دستوری همانند مقولات دستوری پایه است.

تکرار افزوده خود دو نوع است: افزوده میانی و افزوده پایانی. ۶۵ واژه در تالشی براساس تکرار افزوده میانی و پایانی به دست آمده است. در افزوده میانی غالباً حرف اضافه ya یا واکه‌های a، i بین پایه و جزء مکرر می‌آید:

جدول ۲- تکرار کامل، افزوده میانی در واژه‌های مکرر تالشی

تکرار کامل افزوده میانی	معنی و مقوله دستوری	تکرار کامل افزوده میانی	معنی و مقوله دستوری
dafa ba dafa	گاه‌گاه - قید	vadʒ a vadʒ	گفت‌و‌گو - اسم
gial ba gial	دفعه‌به‌دفعه - قید	dim a dim	چهره‌به‌چهره - قید
zurazur	بهزور - قید	daG a daG	باداغی - قید
ʃəkəri ʃəkər	شکر بسیار - اسم	tun ba tun	گوربه‌گور - صفت
pas a pas	عقب‌عقب - قید	tav a tav	بی‌وقفه - قید
tak ba tak	کنارهم - قید	xel a xel	متخلخل - صفت

بیشترین مقوله دستوری قید است با ۱۵درصد، سپس اسم و صفت با ۴۰ و ۹درصد. در تکرار افزوده پایانی پسوندهای *i* و *e* با بیشترین و *kar* و *dar* با کمترین بسامد به انتهای جزء مکرر اضافه می‌شود:

جدول ۳- تکرار کامل، افزوده پایانی در واژه‌های مکرر تالشی

تکرار کامل افزوده بایانی	معنی و مقوله دستوری	تکرار کامل افزوده بایانی	معنی و مقوله دستوری
pasar pasare	لگد - اسم	tasəb tasəbe	لچ و لجباری - اسم
gəlel gəlele	غلت غلتان - قید	nar nare	پیشاپیش - قید
var vare	کچ کچکی - قید	tav tave	شتاپان - قید
zər zəri	غرغرو - صفت	tʃap tʃapake	کچکی - قید

قید با ۵۵درصد بیشترین و اسم با ۳۵ و صفت با ۱۰درصد کمترین بسامد را دارند.

۲-۱-۴- تکرار ناقص

در تکرار ناقص بخشی از کلمه پایه در کپی پایه حذف می‌شود یا تغییر می‌یابد. اگر بخش حذف شده یا تغییریافته پس از پایه قرار گیرد، تکرار ناقص پسوندی و اگر پیش از پایه قرار گیرد، تکرار ناقص پسوندی است (شقاقی و حیدرپور بیدگلی، ۱۳۹۰). در تالشی تکرار ناقص پسوندی بسیار بیشتر از نوع پیشوندی آن است:

جدول ۴- تکرار ناقص پسوندی در واژه‌های مکرر تالشی

تکرار ناقص پسوندی	معنی و مقوله دستوری	تکرار ناقص پسوندی	معنی و مقوله دستوری
axər abər	بلهبرون - اسم	asir abir	گرفتار و دربند - صفت
bəvaz əvaz	جست و خیز - اسم	aliz valiz	به هم ریخته - صفت
əntija atija	اینحاوانجا - قید	tʃapə tʃul	زیگزاگ - اسم
ədarz vidarz	دوخت و دوز - اسم	alis vilis	لیس - اسم
bəzən aʒən	زد و خورد - اسم	agardən vigardən	این پهلو آن پهلو - اسم

اسم با ۸۷.۵درصد بیشترین، و قید و صفت با ۲۵.۶درصد کمترین بسامد را دارند. براساس داده‌ها در برخی موارد همخوان و واکه آغاز هجا تغییر کرده و در جزء مکرر تکرار شده است: *tʃapə tʃul*. گاه تنها همخوان آغازی پایه تکرار شده و پس از پایه قرار گرفته است: *ədarz vidarz*.

جدول ۵- تکرار ناقص پیشوندی در واژه‌های مکرر تالشی

معنی و مقوله دستوری	تکرار ناقص پیشوندی	معنی و مقوله دستوری	تکرار ناقص پیشوندی
بال و پر زدن - اسم	ناخونک - اسم	baGal	tʃaGal
چک و چانه - اسم	قاطی پاطی - اسم	tʃuna	tʃeka

در این نوع تکرار تنها مقوله‌های اسم و صفت یافت شدند.^{۸۰} در صد داده‌ها اسم و بقیه صفت بودند. این نوع تکرار غالباً با تکرار همخوان آغازین همراه است.

۴-۱-۳- تکرار زبان کودکان

کودکان از شش ماهگی قادر به تقلید و تولید آوا هستند. گفتار آنها از آوا به هجا و سپس به گروه و جمله گسترش می‌یابد. تکرار هجاهای زبان تا حدود دوسالگی ادامه دارد. مثلاً زهرا به صورت lala تولید می‌شود. در تالشی نیز تکرار در گفتار کودکانه بسیار هست و معنی دارد:

جدول ۶- تکرار زبان کودکان^(۳)

معنی و مقوله دستوری	تکرار زبان کودکان	معنی و مقوله دستوری	تکرار زبان کودکان
دوش - اسم	Lala	غذا، خودنی - اسم	Papa
لالایی - اسم	lailai	دست - اسم	tʃatʃa
پرنده - اسم	Titi	بچه یا عروسک - اسم	tata
لباس - اسم	Pupu	پستانک - اسم	tʃutʃu
پدر - اسم	Dada	گوسفند - اسم	Dudu

تکرار زبان کودکان تنها در مقوله اسم و به صورت تکرار کامل است.

۴-۱-۴- تکرار وزین

تکرار وزین یا آهنگین همانند تکرار ناقص پیشین و پسین است اما وزن و هجای بخش تکرارشونده مانند بخش دیگر است. در تکرار آهنگین هموزن بودن الزامی است. در تکرار ناقص پسین و پیشین، بخش مکرر الزاماً نباید هموزن با بخش پایه پیش یا پس از خود باشد. در تکرار ناقص بخش پایه به تنها یعنی نیز می‌تواند به کار رود مانند «اسیرابیر» و «آلیزوالیز»، اما در تکرار وزین جزء مکرر به ندرت تنها به کار می‌رود.

جدول ۷- تکرار وزین در تالشی

تکرار وزین	معنی و مقوله دستوری	تکرار وزین	معنی و مقوله دستوری
səsli pəslı	تببل - صفت	dedes ades	توجه - اسم
məfi təfi	خوش‌بشن - اسم	ulusi pulusi	محبت - اسم
daparʃin aparʃin	جمع و جور - اسم	urag turag	در ب داغان - اسم

۱۸ در صد واژه‌های به دست آمده از این نوع تکرار اسم و ۱۹ در صد صفت‌اند.

۴-۱-۵- تکرار با دگرگونی واکه

در این تکرار همخوان‌ها در جزء مکرر ثابت‌اند و تنها واکه تغییر می‌کند:

جدول ۸- تکرار با دگرگونی واکه ها در تالشی

دگرگونی واکه	معنی و مقوله دستوری	دگرگونی واکه	معنی و مقوله دستوری
xua xue	گلاویز - اسم	guʃa guʃe	پچ پچ - اسم
hardi hurai	قیل و قال - اسم	zera zeri	سر به سر - اسم
maratʃ murutʃ	مزه مزه - اسم	dʒir dʒur	بالا و پایین - اسم

داده‌ها اسم‌اند و گرایش به واکه‌های افراشتة i و u است.

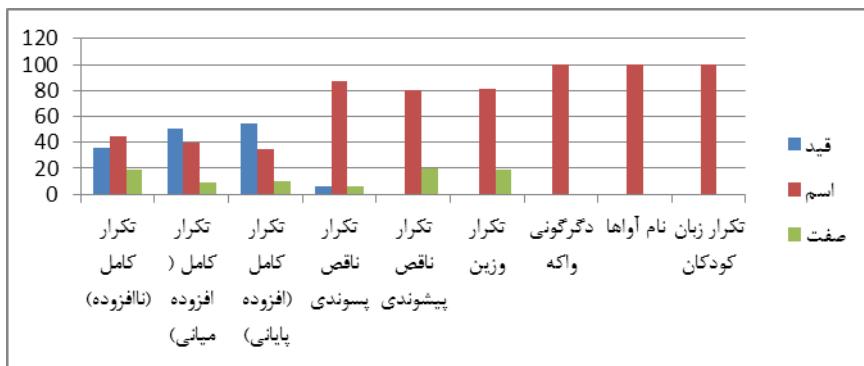
۴-۱-۶- تکرار در نامآواها

جدول ۹- تکرار در نامآواها

نامآوا	معنی	نامآوا	معنی
ʃər ʃər	شرشر	kəl kəl	صدای شعله آتش
pɪʃ pɪʃ	صوت فراخوانی گربه	lei lei	صوت برای صدا زدن
pɪʃt pɪʃt	صوت دور کردن گربه	kər kər	صدای خندیدن
dʒezəg vezəg	صوت سوختن گوشت	ʃəp ʃəp	خش خش برگ

در این تکرار همگی اسم‌اند. پایه کاملاً تکرار می‌شود. تنها در dʒezəg vezəg همانند تکرار ناقص جزء مکرر هموزن با پایه وجود دارد.

نمودار ۱- فراوانی مقوله‌های دستوری قید، اسم و صفت در واژه‌های مکرر تالشی



براساس نمودار درصد فراوانی اسم در انواع تکرار بیشتر است، جز در تکرار کامل افزوده میانی و پایانی که در آنها قید بسامد بیشتری دارد. از انواع دیگر تکرار که کافمن (۲۰۱۵) معرفی کرده دوگان‌سازی اسم و تکرار shm است. در تالشی تکرار یا دوگان‌سازی در اسمی عمومیت ندارد و بهندرت در برخی نامهای کودکان در شرایط خاص و غالباً برای تحبیب به کار می‌رود. مثلاً اگر نگین کوچکترین فرزند باشد او را نی نی خطاب کنند. تکرار shm نیز در فارسی و تالشی کاربرد ندارد.

۴-۲- کاربردهای تکرار

در میان کاربردهای تکرار به اعتقاد کافمن، در واژه‌های مکرر تالشی جمع اسامی کاربرد ندارد زیرا هیچ‌یک از اسامی تالشی با دوگان‌شدن جمع بسته نمی‌شوند. زمان افعال تغییر نمی‌کند و انعکاس و بیان زندگی نیز کاربرد ندارد. تنها شدت و افزایش، کثرت و جامعیت، بی‌هدفی و شباهت در واژه‌های مکرر تالشی هست. در ادامه نمونه‌هایی از انواع تکرار در تالشی:
 تکرار کامل نافروزده: (راراه)، *dassa dassa* (دسته‌دسته)، *əʃka əʃka* (پاره‌پاره)
 و *tʃula tʃula* (دورنگ دورنگ) نشان‌دهنده مفهوم شدت. *dassi sassi* (دستی) و (بیخودی و بیهوده) کاربرد بی‌هدفی. *xuma xuma* (خانه‌های کوچک کنار هم) نشان‌دهنده کثرت. شدت و افزایش بسامد بالاتری نسبت به دیگر انواع کاربرد در تکرار، کاما . نافرده دا. ند.

تکرار کامل افزوده میانی: dagG a daG (بسیار داغ) و نیز i xelaxel (متخلخل)، fekar (شکر بسیار) نشانگر کاربرد کثرت، شدت و افزایش. کاربرد دیگری نیز در این واژه‌ها

بهوفور یافت شده که در طبقه‌بندی کافمن نیامده است. این کاربرد مربوط به قیدهاست و انوری و گیوی (۱۳۷۰: ۲۲۶) آن را قید تدریج نامیده‌اند. ما نیز این کاربرد معنایی را تدریج می‌نامیم: daGa ba daGa (لحظه‌به لحظه)، ma ba ma (ماه‌به‌ماه)، (گاه‌به‌گاه)، fat ba fat (روزبه‌روز)، ruz ba ruz (دیر به دیر)، dir a dir (سال‌به‌سال)، sal ba sal (چهره‌به‌چهره)، tun ba tun (هم‌آغوش)، kaf ba kaf (رویه‌رو)، dim a dim (مرگ‌ومیر)، ru ba ru (پیچ‌پیچ)، gial ba gial (فوت‌وفن)، tun ba tun (گور به گور).

تکرار کامل افزوده پایانی: tasəb tasəbe (غلتان)، dua duakar (غُرْغُری)، gəlel gəlel (لگدپرانی) نشانگر شدت. xis xisadar (سرپا خیس) نشانگر کثرت. تکرار ناقص، تکرار وزین و دگرگونی واکه‌ای: bəmer amər (ریزه‌میزه)، dʒili (آت و آشغال)، adarz (قاطی‌پاطی)، tʃula pula (فوت و فن)، pəfi qəfi (چه کنم چه کنم)، vidarz (دوخت و دوز) نشان‌دهنده کثرت و جامعیت. tʃima mima (پاره‌پوره)، daviar əvıar (رفت و آمد) guʃa guʃe (چیز) نشانگر شدت.

۴-۴- تحلیل آوایی فرایند تکرار

هجا واحد آوایی مرکب است که از یک یا چند واحد زنجیری و یک یا چند واحد زبرزنجیری ترکیب شده باشد و ضرورتاً یکی از واحدهای زنجیری آن دارای مختصه هجایی باشد و واحدهای زنجیری موجود در آن از نظر آوایی بر هم تأثیر متقابل گذاشته باشند، به‌طوری‌که از طریق تأثیرهای تقابل آنها نوعی یگانگی در آن آشکار شده باشد (حق‌شناس، ۱۳۷۳: ۱۳۸). نفرگو (۱۳۷۳) و رضایتی (۱۳۸۶) الگوی واژه‌های تک‌هجایی تالشی را شش نوع دانسته‌اند:

جدول ۱۰ - هجا در گویش تالشی^(۴)

هجا	مثال	معنا
V	A	آن
VC	aV	آب
VCC	aftʃ	بی‌مزه
CV	ga	گاو
CVC	pis	کچل
CVCC	ganz	گوزن

الگوی کلی ساختمان هجا در تالشی (C) V ((C)) است. بر این اساس هجای کمینه ۷ و استفاده از یک همخوان در آغازه و یک یا دو همخوان در پایانه هجا اختیاری است. در تالشی اولین واج در ساخت هجا ضرورتاً همخوان نیست. در ساخت هجایی نیز دو واکه پیاپی نمی‌آید.

۱-۳-۴- تکرار کامل

با توجه به داده‌ها، در جدول ۱۱ آماری از ساخت هجایی کلمات پایه‌ای در انواع تکرار کامل در تالشی آمده‌است. تمام کلمات پایه و تعداد دفعات حضورشان در تکرار کامل محاسبه شده‌است:

۱۱- جدول بسامد انواع ساخت هجا در تکرار کامل گویش تالشی

تعداد هجا	مثال و معنی	ساخت هجای پایه	تکرار کامل ناافزوده	تکرار کامل افزوده	مجموع واژه‌ها
تکرار یک هجا	r <u>u</u> ba ru (روبهرو)	CV	.	۳	۳
	zor zər (حروف زیاد)	CVC	۲۳	۳۸	۶۱
	fəng fəng (نقنق)	CVCC	۱	۰	۱
تکرار دو هجا	sifa sifa (جادجا)	CV-CV	۵۱	۱۲	۶۳
	teʃka teʃka (گره گره)	CVC-CV	۱۶	۱	۱۷
	bəlan bəlan (بلندبلند)	CV-CVC	۷	۷	۱۴
	ispi ispi (درخشنده)	VC-CV	۲	۰	۲
	indʒan indʒan (خرد خرد)	VC-CVC	۱	۰	۱
	dəmbəl-dəmbəle (دنبال بازی)	CVC-CVC	۲	۲	۲
	dua duakar (عُرْغُری)	CV-V	۰	۱	۱
	ivar ivari (کچ کچکی)	V-CVC	۰	۱	۱
تکرار سه هجا	itija itija (کم کم)	V-CV-CV	۲	۰	۲
جمع کل					۱۶۸
۶۵					۱۰۳

تعداد تکرار کامل ناافزوده ۱۰۳ و تعداد تکرار افزوده ۶۵ است. در این جدول تنها ساخت‌های هجایی که در فرایند تکرار کامل حضور داشتند را آورده‌ایم. مثلاً در میان واژه‌های تک‌هجایی ساخت‌های VCC، VC و V شرکت نداشتند و نیامدند. آمار نشان می‌دهد تعداد کلمات تک‌هجایی و سه‌هجایی کمتر از واژه‌های دوهجایی است. در میان واژه‌های تک‌هجایی ساخت CVC و در میان واژه‌های دوهجایی ساخت CV-CV بیشترین بسامد را دارد. جدول ۱۲ میزان مشارکت هر یک از این سه نوع واژه را در انواع تکرار کامل نشان می‌دهد:

جدول ۱۲- مقایسه مجموع حضور کلمات پایه با ساخت هجایی متفاوت در انواع فرایند تکرار کامل

مجموع	تکرار کامل افزوده	تکرار کامل نافزوده	ساخت هجایی پایه
۶۵	۴۱	۲۴	واژه‌های تک‌هجایی
۱۰۱	۲۴	۷۷	واژه‌های دو‌هجایی
۲	.	۲	واژه‌های سه‌هجایی
۱۶۸	۶۵	۱۰۳	مجموع

واژه‌های سه‌هجایی کمترین و واژه‌های دو‌هجایی بیشترین حضور را در تکرار کامل نافزوده دارند. در تکرار کامل افزوده بسامد پایه‌های تک‌هجایی بسیار بیشتر از پایه‌های دو‌هجایی است.

۴-۳-۲ تکرار ناقص

در جدول ۱۳ به دلیل فضای کم تنها نمونه‌هایی از انواع تکرار ناقص (پسوندی و پیشوندی) بر حسب جزء پایه آمده. زیر هجای مورد نظر خط کشیده شده است.

جدول ۱۳- بسامد انواع ساخت هجا در تکرار ناقص تالشی

مجموع	ساخت هجایی جزء مکرر	ساخت هجایی پایه	مثال و معنی پایه	انواع ساخت هجا	تک‌هجایی
۷	۵	۲	<u>vatʃli vəz</u> (جست و خیز)	CVC	
۲۵		۱۰	<u>tʃækə tʃuna</u> (چک و چانه)	CV-CV	
۲		۰	<u>a<small>nta</small> ata</u> (این طور و آن طور)	VC-CV	
۱۶		۶	<u>vikar akar</u> (بسته و باز)	CV-CVC	
۵		۴	<u>tʃərtə tʃula</u> (پرت و پلا)	CVC-CV	
۶		۲	<u>ila dəgla</u> (مشاجره)	V-CV	
۱۲		۹	<u>aras viras</u> (یاری)	V-CVC	
۲		۱	<u>darəndʒ arəndʒ</u> (کش واکشن)	CV-CVCC	
۱		۱	.	CVC-CVC	
۳		۲	<u>ədarz vidarz</u> (دوخت و دوز)	V-CVCC	
۶		۲	<u>asirə abiri</u> (اسیری)	V-CV-CV	
۲		۲	.	CV-CV-CV	
۵		۲	<u>davijar avijar</u> (رفت و آمد)	CV-CV-CVC	
۳		۱	<u>pevəʃkən avəʃkən</u> (زیورو)	CV-CVC-CVC	
۲		۱	<u>agardən vigardən</u> (این پهلو آن پهلو)	V-CVC-CVC	
۲		۲	<u>alaxən vilaxən</u> (سرگردان)	V-CV-CVC	
۱۰۰	۵۰	۵۰	جمع کل		

واژه‌های دوهجایی بیشتر پایه فرایند تکرار ناقص در تالشی قرار گرفته‌اند. بسامد واژه‌های سه‌هجایی در مقایسه با واژه‌های تک‌هجایی بیشتر است. ساختار هجایی جزء مکرر همانند پایه در واژه‌های دوهجایی از ساختهای دیگر بیشتر است. میزان مشارکت جزء مکرر واژه‌های تک‌هجایی کمی بیشتر از جزء پایه است اما همچنان از واژه‌های سه‌هجایی کمتر است. ساخت هجایی CV-CV بالاترین بسامد را در واژه‌های دوهجایی و انواع ساختهای هجایی دارد و پس از آن CV-CVC در پایه و V-CVC در جزء مکرر بالاترین بسامد را دارد. در واژه‌های سه‌هجایی CV_CV_CV در پایه و V_CV_CV در جزء مکرر بیشترین بسامد را دارد.

۴-۳-۳ تکرار وزین

در این نوع تکرار از آنجاکه تعیین پایه مشکل است به بررسی ساختار هجا در جزء اول و دوم واژه‌های تک‌هجایی، دوهجایی و سه‌هجایی پرداخته‌ایم:

جدول ۱۴- بسامد انواع ساخت هجا در تکرار وزین در تالشی

مجموع	ساختار هجایی جزء دوم	ساختار هجایی جزء اول	مثال و معنی از جزء ابتدای هجا	انواع ساخت هجایی	
۲	۱	۱	tʃam xam (فوتوفن)	CVC	تک‌هجایی
۹	۱۹	۲	۷ (پاره‌پوره) pezer azer	CV-CVC	دوهجایی
۴		۳	۱ (تنبل) səsli pəsli	CVC-CV	
۱۱		۵	۶ (صبح خیلی زود) kuri buri	CV-CV	
۸		۶	۲ (در بداغان) uraq turaq	V-CVC	
۱		۰	۱ (بهانه) anga funga	VC-CV	
۱		۰	۱ (زیرورو) arfun virfun	VC-CVC	
۲		۱	۱ (تکان خوردن) ala vila	V-CV	
۱		۱	۰	CVC-CVC	
۲	۵	۰	۲ (زیورو) pevaʃkən avəʃkən	CV-CVC-CVC	سه‌هجایی
۱		۰	۱ (زیورو) perufun arufun	CV-CV-CVC	
۲		۲	۰	V-CVC-CVC	
۱		۱	۰	CV-CV-CV	
۱		۱	۰	CV-CVC-CV	
۱		۰	۱ (درمان) ujusli pujusli	V-CVC-CV	
۱		۱	۰	V-CV-CVC	
۴۸	۲۴		۲۴	جمع کل	

براساس جدول در این نوع تکرار نیز بالاترین بسامد در واژه‌های دوهجایی است و ساخت هجایی CV-CVC در پایه و V-CVC در جزء مکرر مشارکت بیشتری داشته‌اند. مشارکت واژه‌های سه‌هجایی از تک‌هجایی بیشتر است.

۴-۳-۴- تکرار زبان کودکان، تکرار با دگرگونی واکه و نامآواها

در این سه نوع تکرار داده‌ها از انواع دیگر کمتر است. در تکرار زبان کودکان تنها ساختی که مشارکت دارد CV است و بهدلیل سهولت در تولید الفاظ کودکانه بدیهی است. در تکرار با دگرگونی واکه تنها ساخته‌های تک‌هجایی CVC و دوهجایی CV-CVC و با بسامد یکسان مشارکت داشته‌اند.

جدول ۱۵- بسامد انواع ساخت هجا در نامآواها در تالشی

نامآواها	مثال و معنی	انواع ساخت هجا	
۲	(صوت بُز) tʃe tʃe	CV	تک‌هجایی
۹	(صوت خندیدن) kər kər	CVC	
۲	(صوت گوسفند) puʃu puʃua	CV-CV	دوهجایی
۱	(سوختن گوشت) dʒezəg vezəg	CV-CVC	
۱	(صوت نمک دادن گوسفند) pusua pusua	CV-CV-V	سه‌هجایی
۱	(صوت جمع آوری بُزها) bəzpatʃi bəzpatʃi	CVC-CV-CV	
۱	(صوت بازگرداندن رمه) əvardʒa əvardʒa	V- CVC-CV	
۱۷	مجموع		

براساس جدول تعداد واژه‌های تک‌هجایی بیشتر از دوهجایی و سه‌هجایی است و ساخت هجایی CVC دارای بالاترین میزان مشارکت در مقایسه با انواع ساختهای هجایی دیگر است. در هیچ‌کدام از انواع تکرار، ساخت چهارهجایی مشارکت ندارد و ساخت تک‌هجایی CVC در انواع تکرار غیر از زبان کودکان مشارکت فعل دارد. در واژه‌های دوهجایی ساختهای هجایی CVC-CV، V-CVC، CV-CVC، CV-CV حضور بیشتری دارند. ساختهای سه‌هجایی CV-CVC-CVC، CV-CV-CVC نیز بسامد بالاتری دارند.

۵- نتیجه‌گیری

با بررسی فرایند تکرار در تالشی می‌توان دریافت از میان انواع تکرار از نظر کافمن (۲۰۱۵)، تکرار کامل از فراوانی بیشتری دارد. اکثر داده‌های این گویش دارای تکرار کامل (ناافزوده و افزوده) بودند. تکرار ناقص و وزین نیز در واژه‌های متعددی وجود دارد. تکرار با دگرگونی واکه، تکرار زبان کودکان و تکرار در نامآواها کمترند. به لحاظ دستوری فراوانی مقوله اسم در واژه‌های مکرر بیشتر است و از ترکیب اسم، صفت و فعل به دست آمده. تنها در تکرار کامل افزوده قید از دیگر مقوله‌ها بیشتر است. جمع اسامی و زمان افعال با تکرار واژه‌ها به دست نمی‌آید. اما به لحاظ معنایی می‌توان به شدت، افزایش، جامعیت، کثرت و شباهت در واژه‌های مکرر به دست آمده، اشاره نمود.

بررسی ساخت هجا نشان داد که در میان واژه‌های تک‌هنجایی تالشی ساخت CVC دارای بیشترین بسامد است. این با نتایج فیاضی (۱۳۹۲) در واژه‌های مکرر گیلکی تطابق دارد اما در ساختار واژه‌های دوهنجایی بین گیلکی و تالشی تفاوت دیده می‌شود. در تالشی ساخت CV-CV و در گیلکی CV-CVC بالاترین بسامد را دارند. در ساختهای سه‌هنجایی نیز CV-CV-CVC ، CV-CVC-CVC ، CV-CVC-CVC بسامد بالاتری دارند.

پی‌نوشت

- ۱- مالایی (Malay) زبان ساکنان شبه‌جزیره مالایا، جنوب تایلند، سنگاپور و شمال شرقی سوماترا.
- ۲- مثال‌های این بخش برگرفته از کافمن (۲۰۱۵) است.
- ۳- در جمع‌آوری داده‌های جدول، از گویشوران تالشی روستاهای اطراف ماسال یاری گرفته‌ایم.
- ۴- در تالشی ماسال، شاندمن، صومعه‌سرا و شفت همخوان انسدادی چاکنایی /-/ تمایز واجی ندارد و گویشوران در آغازه هجا علاوه‌بر همخوان از واکه نیز استفاده می‌کنند. این به لحاظ آزمایشگاهی اثبات نشده و نگارنده براساس شم زبانی هجاتها را براساس واکه‌ها و همخوان‌های آغازه هجا تحلیل کرده است.

پیوست

۱- نشانه‌های آوانگاری

دیروز	ziri	z	معنی فارسی	مثال	واکه‌ها
امشب	fana	ʃ	آهنا	aven	a
زن	ʒen	ʒ	آب	av	ə
چاه	tʃa	tʃ	اسپ	esba	e
جلیقه	dʒolaxta	dʒ	گوجه‌سبز	aru	u
پُر	fet	f	دل	dil	i
برف	var	v	این	əm	ə
مورچه	murdʒəna	m	معنی فارسی	مثال	همخوان‌ها
مشک	nera	n	بشود	bebu	b
برگ	liv	l	برداشت	pigeta	p
گل‌ولای	rət	r	بذر	tum	t
دایی	xalu	x	درخت	dar	d
فریاد	hardai	h	خانه	Ka	k
دوست	jar	j	حرف	gaf	g
حفظ	Gam	G	شور	sur	s

۲- داده‌های تکرار در گویش تالشی

۲-۱- تکرار کامل ناافزوده: (گودال گودال)، tʃəla tʃəla (چکه چکه)، tʃema tʃema (دانه‌دانه)، xəda xəda (خنده خنده)، xanda xanda (شاخه شاخه)، xərda xərda (خدادخدا)، dasi dasi (ریز ریز)، xəl xəl (متخلخل). xuma xuma (خانه‌های کوچک)، rexa rexa (ریز ریز)، radʒa radʒa (راه راه)، duna duna (دسته دسته)، dassa dassa (بیهوده)، rija rija (ریا ریا)، rijkə rijkə (ریش ریش)، zəga zəga (قطره قطره)، linga linga (پاره پاره)، zər zər (ریز ریز)، gər gər (غُرغُر)، gilil gilil (ففری)، lasa lasa (لخته لخته)، nəsva nəsva (ننگه ننگه)، məza məza (بازی)، məza məza (چشیدن)، vər vər (نصف)، hetav hetav (ریز ریز)، vili vili (وراجی)، vər vər (حرکت)، xanga xanga (با عجله)، jara jara (یاره یاره)، pəs pəs (له شده)، javqjavq (آرام آرام)، par par (تاریک)، tʃanga tʃanga (دسته دسته)، gər gər (با هم)، par par (شکایت)، pal pal (واژگون)، tʃər tʃər (هیاهو)، mər mər (زمزمه)، dʒara dʒara (نجوا)، pexər pexər (پکو)، pəta pəta (شوخي و جدل)، pər pər (من من)، pəta pəta (نجوا)، peku peku (لرزش)، pəf pəf (تکان)، pəta pəta (تکان)، peku peku (لرزش)،

و *pəl* (غلغل)، *xələ xələ* (دعوا)، *vala vala* (تکه‌تکه)، *bən bən* (زیزیز)، *tʃar tʃar* (چهار روز اول) و آخر چله بزرگ و کوچک)، *zenge zenge* (لنگ‌لنگان)، *geda geda* (قلقلک)، *fəng fəng* (نقنق)، *təpə təpə* (ریش‌ریش)، *pila pila* (غلغل)، *gəl gəl* (دنه‌دانه)، *taca taca* (چکه‌چکه)، *sara sara* (سرودا)، *tija tija* (تکه‌تکه)، *tir tir* (تحرک)، *(təkə təkə)* (تکه‌تکه)، *dʒər dʒər* (جلزوولز)، *sara sara* (سرودا)، *kowa kowa* (قالب‌قالب)، *kəl kəl* (کم‌کم)، *kəta kəta* (سوت)، *fuza fuza* (فوت)، *kila kila* (پشت‌های متعدد)، *kowa kowa* (گروه‌گروه)، *xedʒ xedʒ* (قاج‌قاج)، *kula kula* (شعله‌ور)، *arəm arəm* (شعله‌ور)، *luwa luwa* (حرص)، *gala gala* (گفت‌وگو)، *kili kili* (شعله‌ور)، *basa basa* (خردخرد)، *indʒan indʒan* (یکی‌یکی)، *itija itija* (آرام‌آرام)، *igəla igəla* (بلندبلند)، *bidʒa bidʒa* (کم‌کم)، *bəlan bəlan* (بسته‌بسته)، *bəzən bəzən* (زدوخورد)، *teʃka teʃka* (بسته‌بسته)، *gula gula* (فرفری).

۲-۲- تکرار کامل افزوده میانی: *hem aguš* (هم‌آغوش)، *kaf ba kaf* (سریه‌سر)، *kala ba kala* (وقت‌به‌وقت)، *ma* (وقت‌به‌وقت)، *gijal ba gial* (دفعه‌به‌دفعه)، *linga ba linga* (لنگه‌به‌لنگه)، *nuba ba nuba* (نوبت‌به‌نوبت)، *mina ba mina* (ماه‌به‌ماه)، *matʃ a matʃ* (روبوسی)، *bal ba bal* (گفت‌وگو)، *par ba par* (پهلوی‌هم)، *funa ba funa* (دوسادوش)، *vat a vat* (دست‌در‌دست)، *gantʃar bə* (عقب‌عقب)، *xel a xel* (متخلخل)، *pas a pas* (روبه‌رو)، *daga ba daga* (مجاوره‌هم)، *vadʒa vadʒ* (کوچ کردن)، *kutʃa kutʃ* (لحظه‌به‌لحظه)، *dafa ba dafa* (دهان‌به‌دهان)، *ruz ba ruz* (دورادور)، *dan bad an* (گاه‌گاه)، *dira dira* (روزیه‌روز)، *sal ba sal* (به‌زور)، *rub a ru* (روبه‌رو)، *zura zur* (سال‌به‌سال)، *sar ba sar* (سریه‌سر)، *he be he* (شکر بسیار)، *fəkərə fəkərə* (شاخ‌به‌شاخ)، *tak ba tak* (پهلوی‌پهلو)، *tava tav* (گوریه‌گور)، *dəʃə ba dəʃə* (خودشان با هم)، *benə das ba das* (پاداغی)، *dəʃər ba dəʃur* (محل‌به‌ محل)، *das ba das* (جوریه‌جور)، *dəʃur ba dəʃur* (پاداغی)، *ben* (پایین‌پایین).

۲-۳- تکرار کامل - افزوده پایانی: *tasəb tasəb* (لچ‌ولج‌بازی)، *dʒəxəsə dʒəxəsə* (پنهانی)، *dʒir* (زیزیزکی)، *tsəp tsəpake* (کچ‌کچکی)، *xisa xisadar* (سرپا خیس)، *nər* (پیش‌پیش)، *dua duakar* (غُرْغُری)، *zər zəri* (غُرْغُری)، *nare* (پیش‌پیش)، *var vare* (کچکی)، *axər axəre* (در پایان)، *ivar ivari* (کچ‌کچکی)، *daxes daxese* (لگدپرانی)، *gaz gaze* (قايم‌موشك‌بازی)، *dasa dasmal* (دست‌تمال جیبی)، *dəmbəl dəmbəle* (دبیل‌بازی)، *tav tave* (سریه‌سر گذاشتن)، *gur gura* (شتاپان)، *las lase* (بی‌حال)، *gəz gəze* (مورمور).

۲-۴ - تکرار ناقص: gela mela (یکی دوتا)، چفapa paza (بالاویابین)، adarz vidarz (دوخت و دوز)، aliz (به هم ریخته)، valiz (خوش و بش)، xafə bef (گذشت و برشت)، harai hurai (پرتو پلا)، davijar avijar (زیگرگ)، tʃərtə tʃula (مرگ و میر)، bəvaz əvaz (قیل و قال)، pesun asun (سوخت و سوز)، peruf axun (جست و خیز)، pexun (زخم زبان)، aruf (رفت و روب)، daxun axun (آت و آشغال)، vikar akar (بسته و باز)، ətəqələ (خانه تکانی)، ətəqələ (اینجا آن جا)، əsərə abiri (اسیری)، əntija atija (اینچه میزه)، asirə abiri (گرفتار)، əsərə abiri (سرگردان)، əsərə abiri (لیسیدن)، ətəqələ (یک و دو)، bekərəm (مشاجره)، ətəqələ (بکن نکن)، ətəqələ (بکن نکنم)، ətəqələ (ضربت)، vicar akar (ضربت)، əfərs əfərs (هرچه و مرج)، care əcati (هرچه و جو)، əfərs əfərs (پرس و جو)، əfərs əfərs (پرس و جو)، tʃəgal bagal (آت و آشغال)، tʃula pula (بال و پر زدن)، bəvaz əvaz (جست و خیز)، tʃula pula (ناخونک)، tʃəkə tʃuna (چک چانه)، tʃina vatʃli vaz (خردنشده)، ənədʒə ana andʒə (ناخونک)، zəra zeri (زربه سر گذاشت)، fut (کج و معوج).

۲-۵ - تکرار وزین: vikan əkan (در کمین بودن)، dedes ades (توجه)، tənbel (تنبل)، kuri (صبح زود)، maʃi taʃi (خوش و بش)، tʃimə mima (فوتو و فن)، tʃimə xam (چه کنم چه کنم)، buri (جمع و جور)، dapartʃin ujusli pujusli (درمان)، uraq turaq (در باغان)، daku əku (آرزو)، anga funga (بهانه)، arsun (ضربت)، pevəʃkan əvəʃkən (زیورو و رو)، perufun arufun (به هم زدن)، əvəʃkən (زیورو و رو)، əvəʃkən (پاره پوره)، vikər akər (بله بروند)، virʃun (جیزو ویز)، ala vila (تکان خوردن)، azma vizma (سسی)، perufun arufun (زیورو و رو)، sije (آوناله)، pesije.

۲-۶ - نام آواها: əvardʒa əvardʒa (صوت بازگرداندن رمه)، bəzpeʃfi bəzpeʃfi (صوت جمع آوری بُزها)، pətʃ pətʃ (صوت بازخوانی گوسفند)، pusua pusua (صوت نمک دادن به گوسفند)، puʃu puʃua (صوت جمع آوری گوسفند)، vezəg vezəg (صوت سوختن گوشت)، dudua (صوت راه بردن رمه)، ʃəp ʃəp (صوت خش خشن برگها)، kəl kəl (صدای آتش)، lei lei (صوت صدا زدن)، piʃ piʃ (فراخوانی گربه)، hili hili (دور کردن گربه)، tʃe tʃe (صوت بُز)، ər ər (راندن اردک)، ər ər (صدای سرخ شدن)، kər kər (صدای خنده دن)، ʃər ʃər (صدای آب).

۲-۷ - تکرار زبان کودکان: pa pa (غذا)، du du (گوسفند)، la la (دوش)، ma ma (غذا)، ti ti (پرنده)، pu pu (لباس)، nai nai (رقص)، ni ni (دست)، tʃa tʃa (بچه)، lai lai (لالایی)، tʃu tʃu (پستانک)،

(پدر)، na na (مادر)، ta ta (عروسک)، dʒu dʒu (پستان)، ta ta (تاتی)، dada

۲-۸ - دگرگونی واکه: xua xue (گلایز)، guʃa guʃe (پچ پچ)، harai hurai (هایوهای)، zera zeri (سربه‌سر گذاشتن)، dʒir dʒur (بالا و پایین)، maratʃ murutʃ (مزه‌زه کردن).

منابع

ارانسکی، ی.م. ۱۳۸۷. زبان‌های ایرانی. ترجمه ع صادقی. تهران: سخن.
اشمیت، ر. ۱۳۸۲. «دیگر گویش‌های ایرانی باستان»، در راهنمای زبان‌های ایرانی، ترجمه آ بختیاری و دیگران. تهران: ققنوس.

انوری، ح. و گیوی، ح. ۱۳۶۶، دستور زبان فارسی. تهران: فاطمی.
حق‌شناس، ع. ۱۳۷۳. آ وشناسی. تهران: آگاه.

راسخ مهند، م. و محمدی راد، م. ۱۳۹۲. «بررسی معنایی تکرار در زبان فارسی»، زبان‌شناسی. (۱) ۲۳: ۷۴-۶۵.

راسخ مهند، م. و محمدی راد، م. ۱۳۸۸. «بررسی صوری و معنایی تکرار در گویش کردی سورانی»، زبان‌ها و گویش‌های ایرانی. ۱۳۳-۱۴۶.

رضایتی کیشه‌خاله، م. ۱۳۸۶. زبان تالشی. رشت: فرهنگ ایلیا.

رضایتی کیشه‌خاله، م. و سلطانی، ب. ۱۳۹۴. «بررسی ساخت‌واژه‌ای، دستوری و معنایی فرایند تکرار در زبان فارسی». جستارهای ادبی. (۱۸۹): ۱۱۲-۸۱.

رفیعی، ع. ۱۳۸۶. لغتنامه تالشی. رشت: دانشگاه گیلان.

شریعت، م. ۱۳۷۰. دستور زبان فارسی. تهران: اساطیر.

شقاقی، و. ۱۳۶۷. فرایند دوگان‌سازی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. رشتۀ زبان‌شناسی. دانشگاه تهران.

———. ۱۳۷۹. «فرایند تکرار در زبان فارسی». مجموعه مقالات چهارمین کنفرانس

زبان‌شناسی نظری و کاربردی. ج ۱: ۵۱۹-۵۳۳.

شقاقی، و. و ت حیدرپور بیدگلی. ۱۳۹۰. «رویکرد نظریه بهینگی به فرایند تکرار با نگاهی تازه بر

واژه‌های مکرر فارسی». پژوهش‌های زبان‌شناسی. (۱): ۵۶-۵۵.

فیاضی، م. ۱۳۹۲. «تکرار در گویش گیلکی»، پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی. (۳): ۱۶۰-۱۳۵.

کلباسی، ا. ۱۳۸۰. ساخت اشتقاقي واژه در فارسی امروز. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

لازار، ز. ۱۳۸۴. دستور زبان فارسی معاصر، ترجمه م بحرینی. تهران: هرمس.

مشیری، م. ۱۳۷۹. فرهنگ اتباع. تهران: آگاهان ایده.

- محمودی بختیاری، ب. و ز ذوالفقار کندری. ۱۳۹۴. «دوگان‌سازی کامل در زبان فارسی: یک بررسی پیکره بنیاد». پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران. ۳۱(۱): ۱۵۱-۱۶۵.
- منصوری، ا. ۱۳۸۴. بررسی ریشه‌شناختی فعل‌های زبان پهلوی. تهران: آثار نصرتی سیاه‌مزگی، ع. ۱۳۸۶. تالشی‌نامه. رشت: ایلیا.
- نغزگوی کهن، م. ۱۳۷۳. بررسی گویش تالشی دهستان طاسکوه ماسال. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران.
- نوبهار، م. ۱۳۷۲. «بررسی ساختمان قیدوازه در زبان فارسی»، رشد آموزش ادب فارسی. ۳۲(۳۲): ۶۰-۶۵.
- Crystal, D. 1997. *The Cambridge Encyclopedia of language*. Cambridge University Press.
- Katamba, F. 2006. *Morphology*, Macmillan, Hampshire, 2nd edition.
- Kauffman, C. 2015. *Reduplication reflects uniqueness and innovation in language, thought and culture*. York Collage of Pennsylvania.